



## بحران اتمی و فرصتی که از دست می رود

آخرین گزارش آژانس بین المللی انرژی اتمی در مورد برنامه هسته‌ای ایران، با امیدواری به همکاری دولت جمهوری اسلامی و خوش بینی نسبت به توافقات با دولت ایران منتشر شده است.

توافقات کنونی دولت ایران با آژانس، تعهد به پاسخگویی به سوالات و ابهاماتی است که بارها پاسخ به آنها از ایران درخواست شده، اما همواره بی‌پاسخ مانده است. رسیدن به این توافقات هر چند با تاخیر، اما بنا به گفته البرادعی، یک امکان مهم در جهت برون رفت از بن‌بست کنونی در بحران هسته‌ای ایران است. مسائلی که روشن شدن آنها در گذشته می‌توانست ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل را منتفی سازد. امروز، این توافقات در شرایطی صورت گرفته است که دو قطعنامه در تحریم ایران در شورای امنیت به تصویب رسیده است و دولت جمهوری اسلامی تاکنون نسبت به این قطعنامه‌ها بی تفاوت بوده است و هیچ اقدامی در جهت پذیرش آن‌ها انجام نداده است و قطعنامه سوم برای تشدید تحریم‌های کنونی نیز، در حال تدارک است. در گزارش آژانس نیز، بر این واقعیت تاکید شده است که جمهوری اسلامی به قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل عمل نکرده است و «مغایر با تصمیمات شورای امنیت، فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی را به حال تعلیق درنیاورده و به انجام عملیات در نیروگاه آزمایشی غنی‌سازی سوخت و ساخت و ساز و عملیات در این سایت ادامه می‌دهد. ایران همچنین به ساخت رآکتور آی آر ۴۰ و عملیات نیروگاه تولید آب سنگین ادامه می‌دهد».

در این گزارش هم چنین بار دیگر بر موضع پیشین آژانس تاکید شده است که «آژانس هنوز نمی‌تواند جنبه‌های خاص مربوط به میزان و ماهیت برنامه هسته‌ای ایران را تایید کند» و اضافه شده است که «لازم به ذکر است از اوایل ۲۰۰۶ تاکنون آژانس آن نوع اطلاعاتی که ایران پیش از آن فراهم می‌کرد را دریافت نکرده که این امر شامل متعاقب پروتکل الحاقی و به طور مثال اطلاعات مربوط به تحقیقات پیشرفته سانتریفوژی در حال انجام می‌شود».

محمد البرادعی، رئیس آژانس بین المللی انرژی اتمی، توافقات اخیر با دولت ایران را مهم و در عین حال، عمل به این توافقات را «آخرین فرصت» دانسته است. او اذعان نموده است که آژانس برای اولین بار با جمهوری اسلامی بر سر نوعی نقشه راه به توافق رسیده است و دولت ایران باید تا اوائل ماه مارس به ابهامات در باره برنامه اتمی خود پاسخ دهد. در غیر این صورت این «آخرین فرصت» هم از دست خواهد رفت. تاکید البرادعی بر آخرین فرصت، نشان دهنده فضای حاکم بر برخورد به برنامه اتمی ایران و نیز حوزه تدابیری است که در این زمینه مورد بحث است.

همزمان با توافقات جمهوری اسلامی با آژانس انرژی اتمی، تحولات دیگری نیز در سیاست دول غربی در مورد برنامه اتمی ایران صورت گرفته است. علاوه بر گروه‌های مقتدر در دولت آمریکا، رئیس جمهور جدید فرانسه نیز امکان حمله نظامی به تاسیسات اتمی ایران را محتمل دانسته است. تلاش‌های دیپلماتیک برای توافق با ایران و بخصوص از طرف اتحادیه اروپا برای ترغیب ایران به پذیرش درخواست شورای امنیت و مذاکرات بین سولانا و علی لاریجانی بدون نتیجه اعلام شده‌ای متوقف شده است. شاید توافقات کنونی دولت ایران با آژانس را بتوان نتیجه این مذاکرات دانست، اما آنچه که روشن است و در موضع گیری‌های دولت‌های آمریکا و بریتانیا محسوس است، توافق -

کنونی به هیچ وجه انتظارات همه طرف‌های دخیل در مصوبات شورای امنیت را برآورده نمی‌کند. پرونده اتمی ایران اکنون نه در اختیار آژانس، بلکه موضوع تصمیم گیری در شورای امنیت سازمان ملل است. از این رو نیز، تنها توافق با آژانس، در عین بی‌توجهی به درخواست‌های شورای امنیت و اعلام گسترش دامنه غنی‌سازی اورانیوم و نصب سانتریفوژهای بیشتر کافی نیست. طرح احتمال استفاده از ابزار نظامی و علنی کردن نقشه ایالات متحده آمریکا برای بمباران گسترده در سراسر ایران، همزمان با توافقات دولت ایران با آژانس، نشان دهنده این واقعیت است که تنها فرصتی که باقی مانده، فرصت پذیرش درخواست‌های شورای امنیت است. این هم مشروط است به اینکه، به توافقات با آژانس، که جزئی از تعهدات هر کشور عضو محسوب می‌شود، از جمله تصویب و اجرای پروتکل الحاقی عمل شود.

بی توجهی رهبران جمهوری اسلامی به تعهدات خود در قبال نهادهای بین‌المللی و تبدیل پروژه اتمی به موضوع کشمکش و قدرت‌نمایی در تنش با غرب و نهادهای بین المللی، عملاً کشور ما را در موقعیت بسیار خطرناکی قرار داده و منزوی تر از پیش نموده است. اما بحران اتمی تنها مساله در سیاست خارجی کشور ما نیست. خود این بحران نیز نتیجه سیاست خارجی تنش‌زای جمهوری اسلامی و جهت گیری‌های آن در منطقه و جهان است. دفاع جمهوری اسلامی از جریان‌های پان اسلامیت، در کشور‌های منطقه از جمله حماس و جهاد اسلامی در فلسطین و رابطه با جریان‌های مثل شبه نظامیان مقتدی صدر و نظایر آن در عراق... بستر تهدیدات دیگری است که منافع کشور و مردم ما را قربانی هوا و هوس‌های ایدئولوژیک حکومتگران می‌کند. بر زمینه همین سیاست‌ها نیز هست که دولت ایالات متحده آمریکا پرونده دیگری علیه جمهوری اسلامی باز نموده است که اعلام سپاه پاسداران و بخشی از آن یعنی سپاه قدس به عنوان یک سازمان تروریستی، طلایه روزآمد کردن آن، در کنار پرونده اتمی حکومت اسلامی است. اگر برای بازهای دولت آمریکا، جلب توافق اعضای شورای امنیت سازمان ملل به خصوص چین و روسیه برای اقدامات دلخواه، بر زمینه بحران اتمی دشوار باشد، تصمیم به اقدام علیه جمهوری اسلامی با استناد به پرونده‌ای که در مورد دخالت‌های آن در عراق و... ساخته شده است، با اعلام بخشی از نیروهای مسلح دولتی آن به عنوان تروریست، بسیار آسان خواهد بود. همین واقعیت نیز، اکنون کشور ما را در آستانه خطر جدی درگیری در یک جنگ ویرانگر قرار داده است.

تحریم اقتصادی و فشار بین المللی بازتاب خود را نه فقط در زندگی روزمره مردم و گرانی و تورم هر چه فزاینده‌ایست، بلکه در تنش‌های آشکار ساخته است، بار دیگر شکاف در صفوف حکومت را نیز تعمیق بیشتر بخشیده است. طی روزهای‌های اخیر کشمکش بین جناح‌های حکومتی به مهمترین سنجر حکومت اسلامی، مجلس خبرگان رهبری نیز کشانده شد. رقابت بی سابقه بر سر انتخاب ریاست مجلس خبرگان و تقسیم آرای فقهای عضو آن در انتخاب بین رفسنجانی و جنتی دبیر شورای نگهبان بازتاب این واقعیت بود. پیروزی رفسنجانی علیرغم همه تلاشی که از جانب دولت و دستگاه رهبری خامنه‌ای صورت گرفت، نشان دهنده ترس از ادامه وضعیت فعلی در صفوف خود حکومت بود. کشمکش و صف‌آرایی نیروهای امنیتی - نظامی که طی چند ساله اخیر اغلب ارگانهای اصلی جمهوری اسلامی را به چنگ آورده‌اند با رفسنجانی و حامیانش، چنان در جامعه منعکس شد که خامنه‌ای را به موضع گیری آشکار و حمایت از دولت احمدی نژاد و تهدید رسانه‌ها کشاند. < صفحه ۱۹